

## قاعدهٔ جمجمهٔ پوست تخم مرغی در حقوق انگلستان و ایران

محسن صفری<sup>۱\*</sup>، مهدی صفریان<sup>۲</sup>

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی و اسلامی، دانشکدهٔ حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۶/۲۵)

### چکیده

قاعدهٔ جمجمهٔ پوست تخم مرغی برای اولین بار در سال ۱۹۰۱ میلادی توسط دادگاه‌های انگلستان ایجاد شد و به سایر کشورهای تابع نظام حقوقی کامن‌لا راه یافت. براساس این قاعده، واردکنندهٔ زیان مسئول جبران همهٔ خسارت‌هایی است که به زیان دیده وارد شده است؛ اگرچه زیان وارده بیش از مقدار متعارف و پیش‌بینی‌پذیر بوده باشد. این قاعده در آرای متعدد به وسیلهٔ دادگاه‌های انگلستان نه تنها در زمینهٔ وضعیت جسمانی، بلکه دربارهٔ اموال نیز اعمال می‌شود. با وجود این، تقصیر مشارکتی و سبب حائل همواره مانعی در راه اعمال این قاعده بوده است. در تطبیق این قاعده با حقوق ایران و اسلام، باید میان اتلاف و تسبیب تفاوت قائل شد. در اتلاف، شخص واردکنندهٔ زیان مسئول جبران همهٔ خسارات وارده، حتی خسارات پیش‌بینی‌ناپذیر است. قابلیت پیش‌بینی ضرر و میزان آن تنها در تسبیب مطرح بوده و قاعدهٔ جمجمهٔ پوست تخم مرغی صرفاً در تسبیب قابلیت تطبیق و طرح دارد.

### کلیدواژگان

اتلاف، اصل جبران تمام ضرر، تسبیب، جمجمهٔ پوست تخم مرغی.

## مقدمه

وجود هرگونه ضرری از نظر نظام مسئولیت مدنی جبران‌ناپذیر است. ضرر جبران‌پذیر باید واجد شرایطی باشد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به قابلیت پیش‌بینی ضرر اشاره کرد. این شرط همان‌طور که در سایر نظام‌های حقوقی و به‌ویژه انگلستان پذیرفته شده است، در حقوق ایران، به پیروی از فقه امامیه مورد قبول قرار گرفته و در پاره‌ای از قوانین به آن اشاره شده است. در نظام حقوقی انگلستان شرط قابلیت پیش‌بینی ضرر متکی به دلایلی مانند انصاف و عدالت و از همه مهم‌تر، قضاوت عرف در زمینه ایجاد رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار و زیان است. قاعدهٔ مجموعهٔ پوست‌تخم‌مرغی یکی از مهم‌ترین قواعدی است که در زمینهٔ قابلیت پیش‌بینی میزان ضرر وارده شکل گرفته است. این قاعده برای اولین بار در سال ۱۹۰۱ در جریان رسیدگی به یک پرونده در انگلستان شکل گرفت و از آنجا به سایر کشورهای تابع نظام کامن‌لا راه یافت و در حوزهٔ مسئولیت مدنی شیوع یافت.

مسئلهٔ اصلی این مقاله بررسی قاعدهٔ مجموعهٔ پوست‌تخم‌مرغی و موارد کاربرد آن با توجه به رویهٔ قضایی موجود در نظام حقوقی انگلستان و تطبیق این قاعده در حقوق ایران است، به‌طوری که خواهیم دید نظام حقوقی ما با این قاعده بیگانه نیست. فرض پژوهش حاضر توجه به اصل جبران کامل خسارت و ارتفاع هرگونه ضرر وارده به زیان‌دیده است. قبل از ورود به بحث اصلی، بیان دو نکته لازم و ضروری است، نخست آنکه با توجه به تفاوت‌های میان آثار مسئولیت قراردادی و قهری، در مقالهٔ حاضر، اصطلاح حقوقی مسئولیت مدنی در معنای ضمان قهری به کار گرفته شده است (صفری و پاک‌نیت، ۱۳۸۹).<sup>۱</sup> دوم آنکه گاهی چندین عامل به‌طور مستقل اما

۱. عده‌ای اصطلاح «مسئولیت مدنی» را به دو معنای عام و خاص تقسیم کرده‌اند. بدین توضیح که مسئولیت مدنی در معنای عام شامل مسئولیت‌های قراردادی و غیرقراردادی، و در معنای خاص صرفاً شامل مسئولیت غیرقراردادی می‌شود (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۲). این تقسیم‌بندی به پیروی از حقوق فرانسه به متون نظری حقوقی ایران راه یافته است؛ در حالی که میان مسئولیت قراردادی و غیرقراردادی از حیث آثار تفاوتی وجود دارد، و اصطلاح مسئولیت مدنی را صرفاً باید در زمینهٔ ضمان قهری به کار برد (صفری و پاک‌نیت، ۱۳۸۹).

همزمان اعمال مشابهی انجام می‌دهند که در نتیجهٔ اقدام یکی از آنان که نامشخص است، ضرری به ثالث وارد می‌شود (صفری، ۱۳۷۹، ص ۸۶-۵۵). فرض مزبور، که از آن به سبب مجمل یاد می‌شود، از صور پیچیده و دشوار است که موضوع مقاله حاضر در زمینهٔ آن نیز قابل بحث و تأمل است، اما به سبب گستردگی آن، بحث پیرامون آن به وقت دیگری موکول می‌شود.

### قابلیت پیش‌بینی ضرر در حقوق انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان در هر دو مسئولیت (قراردادی و غیرقراردادی) قابلیت پیش‌بینی ضرر شرط جبران خسارت است. از این رو، تا اندازه‌ای می‌توان زیان را مطالبه کرد که هنگام ایراد خسارت برای زیان‌دیده قابل پیش‌بینی باشد (Harpwood, 2009, p.28). با وجود این، میان این دو نوع مسئولیت در حقوق انگلیس تفاوتی مهم و اساسی وجود دارد. در خسارات قراردادی معیار جبران خسارت شخصی است، در حالی که در خسارت غیرقراردادی، معیار نوعی حاکم است. مطابق با معیار شخصی، خسارت باید وارد قلمرو تراضی طرفین شود و طرفین بر آن توافق کرده باشند، اما مطابق با معیار نوعی، ملاک، رفتار انسانی متعارف است، بدین صورت که عمل و آگاهی انسان متعارف را در موقعیتی که به ایراد خسارت منجر شده است، ملاک و مبنا قرار می‌دهند. بنابراین، علم واردآورندهٔ زیان به میزان خسارت ضرورتی ندارد. افراط بیش‌ازحد در این معیارها امروزه دیگر در حقوق انگلیس به چشم نمی‌خورد. در این نظام حقوقی برای محدودکردن خسارات ناشی از قراردادها قواعد ذیل اعمال می‌شود:

الف) خواننده مسئول خسارتی که با سرمنشأ زیان فاصلهٔ زیاد دارد (سبب دور)، نیست (دعوای هادلی علیه باکسندل<sup>۱</sup>) (Adams & Brownsword, 2007, p.149)؛ ب) خسارت باید در جریان معمول امور اتفاق افتاده باشد. برای مثال، شخصی که خوراک سمی فروخته است فقط مسئول جبران خسارت کسانی است که خوراک سمی را خورده‌اند؛ ج) آگاهی به اوضاع و احوال ویژه

1. Hadley V. Baxendale

زیان دیده. در دعوی هادلی علیه باکسندل، خواندگان از آنجا که هنگام انعقاد قرارداد می دانستند تأخیر در تحویل میل لنگ، آسیاب را تعطیل می کند، در مقابل عدم النفع خواهانها مسئول شناخته شدند (Harris & Campbell., 2005, p.319).

### مفهوم قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی

طبق قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی<sup>۱</sup>، واردکنندهٔ زیان مسئول همهٔ خساراتی است که به شخص زیان دیده وارد شده است، حتی اگر این زیان بیش از مقدار قابل پیش بینی باشد. بنابراین، این قاعده در زمینهٔ قابلیت پیش بینی میزان ضرر اعمال می شود (Stuhmcke, 2001, p.63). به عبارت دیگر، طبق مفاد این قاعده، شخص خواننده باید همهٔ ضرر و زیان وارده بر خواهان را جبران کند، اگرچه میزان خسارت وارده بر خواهان به طور معقول و متعارف قابل پیش بینی نباشد. این قاعدهٔ حقوقی برای اولین بار در سال ۱۹۰۱ در جریان رسیدگی به یک پرونده در انگلستان ایجاد و از آنجا به سایر کشورهای تابع نظام حقوقی کامن لا راه یافته است. قاعده یادشده در مسئولیت مدنی و در زمینهٔ تقصیر عمدی، تقصیر غیر عمدی و مسئولیت محض به کار گرفته می شود (Calandrillo, 2006, p.19).

علت نامگذاری این قاعده به نام مجموعهٔ پوست تخم مرغی، مثالی است که در زمینهٔ تبیین قاعده بیان می شود. این مثال یک شخص فرضی را بیان می کند که مجموعهٔ بسیار نازک مانند پوست تخم مرغ شکننده دارد. خواننده ضربه ای به سر این فرد وارد می کند، ضربه ای که یک شخص عادی بر اثر آن، دچار کبودی یا در نهایت، جرح مختصر می شود اما این شخص فرضی بر اثر ضربه وارده فوت می کند. طبق قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی شخص واردکنندهٔ زیان مسئول مرگ این شخص فرضی است.

---

1. Eggshell skull rule

### مبنای قاعدهٔ مجمهٔ پوست تخم مرغی

انصاف مهم‌ترین مبنای قاعدهٔ مجمهٔ پوست تخم مرغی است. انصاف حکم می‌کند شخص واردکنندهٔ زیان مسئول جبران همهٔ ضرر و زبانی باشد که واقعاً به خواهان وارد شده است. بنابراین، خواننده مسئول جبران همهٔ شرایط پنهان و آشکار زیان‌دیده است.

مبنای دیگر این قاعده براساس هدف مسئولیت مدنی توجیه می‌شود. هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت، و ضرر و زیان خواهان است که در نتیجهٔ تقصیر شخص دیگر به بار آمده است. سیاستی که از به‌کارگیری این قاعده اعمال می‌شود، تغییر بار اثبات خسارت از زیان‌دیده به شخص واردکنندهٔ زیان است. نتیجهٔ تغییر بار مسئولیت و اثبات خسارت این است که میزان خسارتی که باید به خواهان پرداخت شود، تقریباً معادل خسارتی است که خواننده سبب آن شده است (Calandrillo, 2006, p.21). بنابراین، اگر خواننده صرفاً مسئول خسارات قابل پیش‌بینی باشد، نه تنها باعث می‌شود خواهان از دریافت بخشی از خسارت محروم شود، بلکه اشخاص خاطی بالقوه نیز انگیزهٔ کمتری در جلوگیری از ورود زیان خواهند داشت (Calandrillo, 2006, p.21).

### موارد اعمال قاعدهٔ مجمهٔ پوست تخم مرغی

در صورتی که در شخص زیان‌دیده شرایطی به‌طور نهفته وجود داشته باشد و فعل یا ترک فعل خواننده سبب آشکار شدن این شرایط و ورود ضرر به خواننده شود، خواننده مسئول همهٔ نتایج عمل خویش است (نگاه کنید به دعوی *Smith v. Leech co Ltd* در همین مقاله) (Calandrillo, 2006, p.23). همچنین، در صورتی که خواهان به سبب شرایطی که دارد، تحت درمان باشد و با ادامهٔ درمان و مراقبت این شرایط از بین می‌رود، اما تقصیر خواننده سبب فعالیت دوبارهٔ این شرایط یا بدتر شدن وی شود، خواننده مسئول جبران همهٔ زیان وارده به خواهان است. برای مثال، در دعوی بن علیه توماس<sup>۱</sup> خواهان به علت بیماری قلبی تحت درمان بوده و روند درمان به‌نحوی بود که به

1. Benn V. Thomas

درمان کامل منجر می‌شود. تقصیر خواننده در یک تصادف رانندگی سبب فعالیت مجدد بیماری خواهان شد. دادگاه با اعمال قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی، خواهان را مسئول جبران همهٔ ضرر و زیان وارده دانست (Statsky, 2010, p.269).

از سوی دیگر، گاهی خواهان به سبب شرایط و وضعیتی که دارد به ناچار در آینده دچار ناتوانی می‌شود حتی می‌میرد، اما خطای خواننده باعث تسریع این ناتوانی یا مرگ می‌شود. در این شرایط نیز دادگاه‌ها تردیدی در اعمال قاعدهٔ یادشده ندارند (Steele, 2014, p.189). بیان این نکته ضروری است که اعمال این قاعده در مسئولیت مدنی منوط به احراز تقصیر عمدی از سوی خواننده نیست. بنابراین، این قاعده نه تنها دربارهٔ تقصیر عمدی، بلکه تقصیر غیرعمدی و مسئولیت محض نیز اعمال می‌شود.

### فرایند اعمال قاعده در زمینهٔ اموال

در دعوی شرکت با مسئولیت محدود و ککول علیه شرکت با مسئولیت محدود شیمیائی بی.دی.اچ<sup>۱</sup>، خواهان یک ترکیب شیمیائی را از خواننده خریداری کرده بود. خواننده به خواهان هشدار نداده بود که برخورد ترکیب یادشده با آب سبب وقوع انفجار می‌شود. یکی از کارگران خواهان مقدار زیادی از ترکیب مزبور را در ظرفشویی قرار داد که در نتیجهٔ آن، انفجار مهیبی به وقوع پیوست و به املاک خواهان خسارت زیادی وارد شد. در این زمینه، اگرچه میزان خسارت قابل پیش‌بینی نبود، به دلیل اینکه انفجار و خسارت قابل پیش‌بینی بوده است، دادگاه خواننده را مسئول جبران همهٔ زیان وارده به املاک خواهان شناخت (برمینگهام<sup>۲</sup>، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

همچنین، در دعوی فدرا علیه سی فارر<sup>۳</sup>، تصادفی بین دو کشتی فدرا که بار آن سیمان بود و کشتی سی فارر اتفاق افتاد. بر اثر این تصادف، قسمت جلویی کشتی فدرا شکست و در آب غرق

1. Voccwell Engineering co. Ltd. v. B. D. H chemicals co. ltd  
2. Bermingham  
3. Fedra V. Seafarer

شد. تا نه روز پس از حادثه هیچ نشانه‌ای از ورود آب به انبارهای کشتی و خسارت به محمولهٔ آن مشاهده نشد. نه روز پس از وقوع حادثه، مشاهده شد آب در انبارهای شماره‌های ۳ و ۴ کشتی وجود دارد. ورود این آب به انبارهای کشتی که در قسمت تحتانی کشتی قرار داشتند، به دلیل پوسیدگی و خوردگی دریچهٔ تخلیهٔ آب کشتی بود که بر اثر شدت تصادف صفحهٔ فرسودهٔ آن از جای خود جدا شده بود. خواننده در مقام دفاع، بیان کرد هر چند کشتی سی‌فارر مقصر تصادف است، اما مسئول زیان وارده به کشتی فدرا که ناشی از شرایط بد و فرسودگی این کشتی بوده، نیست. در این پرونده قاضی قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی را اعمال کرد و خواننده را مسئول جبران همهٔ خسارت وارده دانست.

### قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی در رویهٔ قضایی انگلستان

قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی در موارد متعددی توسط دادگاه‌های انگلستان مبنای صدور رأی قرار گرفته است. در دعوی وزبرگو علیه پاتنی<sup>۱</sup>، پسر بچهٔ ۱۲ ساله‌ای هنگامی که در مدرسه بود، لگدی به پای همکلاسی ۱۴ سالهٔ خود می‌زند. این لگد باعث می‌شود آسیب قبلی این پسر بچه که ناشی از یک تصادف بود، تشدید شده، و در نهایت، به معلولیت وی منجر شود. دادگاه خواننده را با اینکه از جراحی قبلی خواهان آگاه نبود، با اعمال این قاعده، مسئول این آسیب نهایی دانست (Lunney & Oliphant, 2008, p.205). این رأی پایه و اساس اعمال قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی را تشکیل داد.

در دعوی دولیو<sup>۲</sup>، خواننده با کالسکه به خواهان بارداری برخورد کرد. در نتیجهٔ این تصادف خواهان به بیماری سختی مبتلا شده و زایمان قبل از موعد وی سبب عقب ماندگی کودک وی شد. دادگاه با اعمال قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی بیان کرد: «این امر که خواهان دارای شخصیتی ضعیف و شکننده است، باعث کاهش مسئولیت خواننده نمی‌شود» (Lunney & Oliphant, 2008, )

1. Vosburg v. Putney  
2. Duleev

p.205). دیوان عالی نیز در سال ۱۹۴۸ این قاعده را در موردی که خواهان دارای شخصیت ضعیف و شکننده بود، قابل اعمال دانست (Calandrillo, 2006, p.26).

دعوای لاکوود علیه مک کسکیل<sup>۱</sup>، نیز نشان داد دادگاه‌ها می‌توانند این قاعده را در زمینه آسیب و زبانی که از شرایط روحی و روانی خواهان منتج شده است، اعمال کنند. برخی دادگاه‌ها نیز این قاعده را درباره آسیب و زیان روانی و عاطفی نیز اعمال کردند (Harlow, 2005, p.50).

از سوی دیگر، در دعوای مِچ علیه مک کریمر<sup>۲</sup>، ویژگی‌های شخصیتی خواهان در اثر جراحی ناشی از تصادف به‌طور کلی تغییر کرد. تقصیر خواننده علت تصادف بود و این تقصیر و آسیب ناشی از تصادف باعث شد خواهان مرتکب جنایات متعددی شده، به حبس ابد محکوم شده، و خواستار جبران خسارت ناشی از محرومیت از آزادی شود. دادگاه به نفع وی رأی داد و قاعده را در موردی که خواهان متحمل شوک عصبی شده است یا شخصیتی بسیار شکننده دارد، قابل اعمال دانست (برمینگهام، ۱۳۸۸، ص ۹۹).

به علاوه، در دعوای اسمیت علیه شرکت با مسئولیت محدود لیچ<sup>۳</sup>، کارگری که با آهن مذاب کار می‌کرد، بر اثر تقصیر همکاران خویش دچار سوختگی از ناحیه لب شد. در زمان حادثه مشخص نبود وی دچار سرطان بدخیم است و این سوختگی بیماری وی را فعال می‌کند. سه سال پس از حادثه این کارگر بر اثر سرطان مرد. قاضی پارکر<sup>۴</sup> بیان کرد: «ارزیابی این مطلب که آیا واردکننده زیان به‌طور معقول و متعارف می‌توانسته پیش‌بینی کند سوختگی می‌تواند به سرطان و سپس مرگ منجر شود، مهم نیست. پرسش این است که آیا خواننده می‌توانسته نوع جراحی را که زیان‌دیده متحمل شده است، پیش‌بینی کند؟ مقدار خسارت وارده که در نتیجه سوختگی به خواهان وارد شده است، به شرایط و خصوصیات وی بستگی دارد» (Stephenson, 2000, p.174).

- 
1. Lockwood V. Maccaskill
  2. Meoch V. McCreamer
  3. Smith V. Leech co ltd
  4. Parker



### استثنائات وارده بر قاعده

از جمله استثنای این قاعده این است که خواهان نیز به خود زیانی وارد کند و در اثر همراهی این زیان با تقصیر خواننده، آسیب وارده بر وی تشدید یابد. برای مثال، شخصی به مقدار زیادی نوشیدنی الکلی مصرف می‌کند و در حالی که تحت تأثیر الکل است، به میان جاده می‌آید و با ماشینی که سرعت زیادی دارد، تصادف می‌کند. این شخص به دلیل وجود مقداری زیاد الکل در خونس به سرعت خون خود را از دست می‌دهد و دچار ضایعهٔ مغزی می‌شود. اگرچه در این حادثه راننده با سرعت زیادی در حال حرکت بوده است (تقصیر غیر عمدی)، خواهان نیز خود را در مقابل حادثه به علت مصرف زیاد مواد الکلی آسیب‌پذیر کرده است. در این دعوا خواننده مسئول جبران تمام ضررهای وارده نیست. این نمونه شبیه قواعد تقصیر مشارکتی و تقسیم مسئولیت براساس درجهٔ تقصیر است.

از سوی دیگر، سبب حائل<sup>۱</sup> در صورتی که زیان وارده بی‌واسطه و بی‌درنگ ایجاد نشود، بدین معنا که سبب واردآورندهٔ زیان، سبب اصلی نبوده و واسطهٔ مؤثری میان آن و زیان قرار گرفته باشد، استثنائی بر اعمال قاعدهٔ مجمهٔ پوست تخم مرغی است.

اعمال قاعدهٔ مجمهٔ پوست تخم مرغی در برخی موارد مورد اختلاف و محل مناقشه است و دربارهٔ آن اتفاق نظر وجود ندارد. برخی نویسندگان معتقدند این قاعده باید در زمینهٔ آسیب‌های روحی و روانی مانند آسیب فیزیکی اعمال شود و این امر را بر مبنای انصاف توجیه می‌کنند (Mcquade, 2001, p.120). در حالی که برخی دیگر با اعمال این قاعده دربارهٔ آسیب‌های روحی و روانی مخالف بوده و معتقدند باید شرایط خواهان قبل و بعد از به‌وجود آمدن زیان بررسی شده و مشخص شود آیا آسیب و ضرر ناشی از حادثه، بیماری روحی و روانی را برای خواهان به‌وجود آورده است، یا این بیماری به‌واسطهٔ اعمال خواننده توسعه یافته است (Levy & Rosenberg, 2003, p.155).

1. Intervening cause

همچنین، برخی معتقدند قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی شامل اعتقادات مذهبی نمی‌شود، زیرا شرایط این اعتقادات مانند شرایط روحی، روانی و جسمانی نیست. به علاوه، این اعتقادات خواننده را از لحاظ روحی و روانی نسبت به صدمه و آسیب، آسیب‌پذیر نمی‌کند (Carlson, 2004, p.1067). در مقابل، منتقدان این دیدگاه بیان می‌کنند اعتقادات یک بخش ذاتی از انسان است و به همین دلیل ضرر و زیان و آسیبی که به دلیل اعتقادات مذهبی سبب بدتر شدن وضع خواهان می‌شود، باید شامل قاعدهٔ مجموعهٔ پوست تخم مرغی شود (Pomeroy, 1992, p.111).

از سوی دیگر، در زمینهٔ اعمال این قاعده دربارهٔ مسئول شناختن سایت‌های اینترنتی که افراد را به داشتن رفتارهای ناهنجار تشویق یا تحریک می‌کنند، اختلاف نظر وجود دارد. موافقان اعمال این قاعده معتقدند این قاعده باید در زمینهٔ وب‌سایت‌هایی که بازدیدکنندگان آن از آسیب‌پذیری روانی برخوردارند، اعمال می‌شود (Martin, 2005, p.151).

همچنین، بعضی نویسندگان معتقدند کرهٔ زمین را باید مانند خواهانی دانست که مجموعهٔ پوست تخم مرغی دارد و از آلودگی‌های مختلف و صنعتی شدن و رشد جوامع مصرفی رنج می‌برد. در نتیجه با تلقی کردن زمین به عنوان خواهان دارای مجموعهٔ پوست تخم مرغی، شاهد تأثیرگذاری بر محیط زیست در سراسر جهان خواهیم بود (Aman, 1993, p.102).

### قابل پیش‌بینی بودن ضرر در حقوق ایران و فقه امامیه

در مسئولیت مدنی وجود هرگونه ضرری باعث ایجاد مسئولیت برای واردکنندهٔ زیان در جهت جبران آن نیست، بلکه این ضرر باید واجد شرایطی باشد: الف) مسلم باشد؛ ب) مستقیم باشد؛ ج) شخصی باشد؛ د) ناشی از لطمه‌ای باشد که به حق شخص یا نفع مشروع وی وارد شده است؛ ه) قبلاً جبران نشده باشد؛ و) قابل پیش‌بینی باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۰۲). در میان این شرایط، شرط پیش‌بینی پذیر بودن ضرر به بحث این مقاله مربوط می‌شود. در مسئولیت مدنی پیش‌بینی ضرر نقش اساسی دارد و خسارات نامتعارف و دور از انتظار را نباید در ارزیابی خسارت در نظر گرفت. از سوی دیگر، در دید عرف آنچه بر حسب سیر طبیعی امور از خطای شخص به بار می‌آید، منسوب به اوست و شرایط غیرمنتظره و حوادث ویژه‌ای که شخص از آن آگاه نیست،

عرف ناشی از فعل مرتکب نمی‌داند. برای مثال، مسافری که بیماری قلبی دارد و بر اثر ترمز ناگهانی قطار می‌میرد، راه‌آهن مسئول نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۲۹۷). به این ترتیب، مسئله به رابطهٔ سببیت برمی‌گردد؛ یعنی شخص در قبال خساراتی مسئول است که عرفاً ناشی از تقصیر او باشد، و چون ضرر پیش‌بینی‌ناپذیر است، مستند به تقصیر شخص نیست، و وی مسئولیتی در قبال آن نخواهد داشت. علامه حلی در قواعد الاحکام به قابلیت پیش‌بینی ضرر در تسبیب اشاره کرده و بیان کرده است: «... زمانی که از سبب انتظار چنین علتی مدنظر باشد، مثل چاه‌کنی که پیش‌بینی افتادن کسی در آن را می‌نماید...» (حلی، ۱۲۸۲ هـ ق، ص ۱۹۸)، و محقق کرکی نیز در این زمینه می‌گوید: «... ایجاد آن چیزی که باعث تلف می‌شود [یعنی سبب]، هنگامی که سببی که علت تلف می‌گردد قابل پیش‌بینی باشد، که معمولاً به علت آن زیان ایجاد می‌شود، باعث ضمان است...» (محقق کرکی، ۱۳۷۰ هـ ق، ص ۲۱۵). صاحب‌جوهر الکلام در این زمینه می‌نویسد: اگر کسی در ملک خود آب بیندازد و آب به ملک دیگری نفوذ کند و خساراتی وارد آورد، در صورتی ضامن است که احتمال نوعی سرایت آب به ملک همسایه وجود داشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ق، ص ۵۹). همچنین، اگر کسی در قفس پرندهٔ دیگری را بگشاید و پرنده بگریزد، در این صورت نیز ضامن گشایندهٔ قفس موکول به آن است که پرنده طبق عادت، از قفس فرار کند (کاشف‌الغطاء، ۱۳۶۱ هـ ق، ش ۱۴۴). از نظر برخی فقها، پیش‌بینی‌پذیری ضرر لازم نیست و صرف تلف مال برای ضامن دانستن شخص کافی است (حسینی مراغه‌ای، ۱۴۱۸ هـ ق، ص ۴۳۵).

قانون مجازات اسلامی به پیروی از فقه امامیه از این ضابطه در مواد ۵۰۶ تا ۵۳۷ سخن گفته است. مادهٔ ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی بیان می‌کند: «هرگاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و غالباً نیز سرایت نکند، لکن اتفاقاً به جایی دیگر سرایت نماید و موجب خسارات و صدمه گردد، ضامن ثابت نیست و در غیر این صورت ضامن است». در این ماده قابلیت پیش‌بینی برای واردآورندهٔ زیان نسبت به خسارات وارده، شرط دانسته شده است. این معنا از مفهوم مخالف این ماده برداشت می‌شود. بدین نحو که فرد تنها در صورتی ضامن نیست که از عدم سرایت آتش آگاه بوده است و آتش هم طبق عادت،

به ملک غیر سرایت نکند. اما باید اذعان کرد معیار پیش‌بینی شده در قانون، معیار نوعی است. بدین گونه که حتی اگر فرد ایراد خسارت را پیش‌بینی نکند، ولی ورود خسارت طبق عادت ممکن باشد، واردآورنده زیان مسئول جبران خسارت است. این مفهوم در ماده ۵۲۲ این قانون نیز تکرار شده است. قابلیت پیش‌بینی زیان یکی از معیارهای جالب و مترقی است که فقه اسلامی بدان توجه و تمایل دارد و دست‌کم در پاره‌ای موارد آن را شرط تحقق تقصیر یا برقراری رابطه سببیت قرار داده است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۳۲). قابلیت پیش‌بینی در سبکی و سنگینی تقصیر اثر دارد. بنابراین، در صورتی که مرتکب بداند عمل وی به ورود زیان و صدمه به دیگری منجر خواهد شد، در شرایطی مرتکب تقصیر عمدی یا سنگین شده است (صفریان، ۱۳۹۲).

به این ترتیب، چه از نظر تحقق تقصیر و درجه تکلیفی که شخص بر عهده دارد، چه از نظر رابطه علیت میان فعل مرتکب و ورود ضرر، امکان پیش‌بینی ضرر یکی از شرایط ایجاد مسئولیت است (کاتوزیان، ۱۳۸۴، ص ۲۹۸).

### امکان پذیرش قاعدهٔ مجموعهٔ پوست‌تخم‌مرغی در حقوق ایران

در نظام حقوقی ایران در زمینهٔ قابلیت پیش‌بینی ضرر باید گفت در تسبیب، ضرر عموماً باید قابل پیش‌بینی باشد، اما برای تحقق اتلاف نیازی به قابل پیش‌بینی بودن ضرر نیست و در صورت وقوع و بروز زیان، خسارات زیان‌دیده باید جبران شود، خواه ضرر وارده در هنگام وقوع قابل پیش‌بینی بوده باشد یا خیر. این تفکیک ریشهٔ فقهی دارد (نجفی، ۱۳۱۱، ص ۶۱).

پس می‌توان به این نتیجه رسید که در حقوق ایران در مبحث اتلاف قابلیت پیش‌بینی ضرر و میزان آن مطرح نیست و فرد خاطی مسئول جبران همهٔ زیان‌های وارده است، حتی اگر امکان پیش‌بینی آن وجود نداشته باشد. بنابراین، اتلاف در حقوق ایران قابل انطباق با قاعدهٔ مجموعهٔ پوست‌تخم‌مرغی در انگلستان است. تنها تفاوت موجود این است که قاعدهٔ طرح‌شده در انگلستان به‌عنوان استثنا مطرح است، در حالی که اتلاف و مباحث آن به‌عنوان قاعده طرح شده‌اند.

### مقایسهٔ شرایط قاعدهٔ مجملهٔ پوست تخم مرغی با اتلاف

برای تحقق اتلاف، شخص باید مباشر تلف باشد، بدین معنا که باید سبب اصلی تلف بوده و به طور مستقیم، مال را تلف کرده باشد. همان طور که دیدیم از استثنائات قاعدهٔ مجملهٔ پوست تخم مرغی این است که حائلی میان سبب و مسبب ایجاد شده باشد. از این رو، از شرایط اعمال این قاعده این است که واردآورندهٔ زیان (مانند اتلاف) باید سبب مستقیم و مؤثر در ایراد خسارت باشد.

در هر دو، همان طور که گفته شد، وقوع تقصیر شرط نیست، بلکه صرف وجود رابطهٔ علیت فعل زیانبار و ورود ضرر کافی است تا واردآورندهٔ زیان مجبور به جبران خسارت زیان دیده شود (مادهٔ ۳۲۸ قانون مدنی). البته تفاوتی بنیادین میان قاعدهٔ مجملهٔ پوست تخم مرغی و اتلاف وجود دارد. در قاعدهٔ مجملهٔ پوست تخم مرغی وضعیت شخص یا مالی که خسارت به آن وارد می شود، نیز اهمیت دارد. مثلاً شخص دارای بیماری بوده یا مال فرسوده باشد. اما در اتلاف صرفاً جبران خسارت مالک یا شخص زیان دیده است که از اهمیت برخوردار است و برای اعمال قاعدهٔ اتلاف صرف نظر از وضعیت شخص زیان دیده یا مالی که به آن خسارت وارد شده است، خسارات وارده باید توسط واردآورندهٔ زیان جبران شود.

### مقایسهٔ آثار قاعدهٔ مجملهٔ پوست تخم مرغی با قاعدهٔ اتلاف

از آثار قاعدهٔ اتلاف این است که خساراتی که به مال زیان دیده وارد می شود، به طور کامل باید جبران شود. در این حالت زیان دیده نیازی به اثبات تقصیر واردآورندهٔ زیان ندارد، زیرا تلف بالمباشره مال خود تقصیر محسوب می شود و از همین رو، در اتلاف دیگر تقصیر و اثبات آن شرط نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴). در قاعدهٔ مجملهٔ پوست تخم مرغی نیز بار اثبات از دوش زیان دیده به واردکنندهٔ زیان منتقل می شود. در این حالت زیان دیده دیگر نیازمند اثبات خسارت نیست. خساراتی که به وی پرداخت می شود، عموماً به میزان خسارات وارده به اوست (Calandrillo, 2006, p.26). در نتیجه، مانند اتلاف، همهٔ ضررهای وارده به شخص در صورت اعمال این قاعده جبران می شود. در حقوق انگلیس برای تعدیل قابلیت پیش بینی زیان میان ضرر

بی‌واسطه و مستقیم و ضررهای باواسطه تفاوت قائل شده‌اند و ضررهای نوع نخست را در هر حال جبران‌پذیر می‌دانند، در صورتی که در ضررهای نوع دوم قابلیت پیش‌بینی ضرر شرط می‌دانند (Gregory & Calven, 1969, pp.325-326).

### پیش‌بینی میزان و اهمیت ضرر

اهمیت پیش‌بینی ورود ضرر به دلیل اثری است که در تحقق تقصیر و انتساب عرفی ضرر به فعل زیان‌بار دارد و این امر به ماهیت ضرر و میزان آن ارتباطی ندارد (Gregory & Calven, 1969, p.306). بنابراین، در تسبیب در صورتی که ورود زیان پیش‌بینی شود، اما میزان زیان فراتر از انتظار باشد، فرد خاطی مسئول جبران همه این زیان‌ها است. کما این که در پاره‌ای موارد نظیر دعوای وکل<sup>۱</sup> در سال ۱۹۷۱ برای اینکه وقوع انفجار و خسارت قابل پیش‌بینی بوده است، خواننده مسئول شناخته شده است، هرچند میزان این خسارت قابل پیش‌بینی نبوده است. به این ترتیب و با در نظر گرفتن موارد اعمال قاعدهٔ مجموعهٔ پوست‌تخم‌مرغی، به نظر می‌رسد نظریهٔ مشهور حقوق ایران در زمینهٔ تسبیب و فراتر رفتن میزان ضرر از حد متعارف چه به سبب نوع زیان و چه به دلیل خصوصیات زیان‌دیده به انگلستان نزدیک است.

### نتیجه

قاعدهٔ مجموعهٔ پوست‌تخم‌مرغی در حقوق انگلستان در زمینهٔ قابلیت پیش‌بینی میزان ضرر و زیان وارده اعمال می‌شود. در حقوق انگلستان به جز مواردی که محل اختلاف و مناقشه بوده است، این قاعده هم در زمینهٔ خسارات جسمی و معنوی، و هم زیان وارده به اموال اعمال می‌شود. دادگاه‌های انگلستان (همان‌طور که در برخی آرای یادشده در مقاله مشاهده می‌شود)، در صورتی که ورود خسارت قابل پیش‌بینی باشد، زیان‌دیده را ملزم به جبران همهٔ زیان وارده می‌کنند. میزان

1. Voccwell

خسارت وارده برای دادگاه‌های انگلستان اهمیتی ندارد. در بحث تطبیقی (در حقوق ایران و حقوق اسلام) قاعده را از منظر قواعد اتلاف و تسبیب بررسی کردیم. در حقوق ایران از آنجا که در اتلاف بحث تقصیر مطرح نیست، نیازی به قابلیت پیش‌بینی ضرر توسط خواننده نیست. به عبارت دیگر، واردکنندهٔ زیان ملزم به جبران همهٔ خسارات وارده است، حتی آن دسته از خساراتی که برای خواننده قابل پیش‌بینی نیست. امری که پذیرش آن در حقوق انگلستان مشکل است، زیرا اصل جبران خسارت در حقوق این کشور محدود به قواعدی مانند قابلیت جبران خسارت است. در مبحث تسبیب نیز هر چند قابلیت پیش‌بینی ضرر مطرح است، فراتر رفتن میزان خسارت از میزان خسارت واقعی قابل پیش‌بینی تأثیری در مسئولیت خواننده ندارد و وی ملزم به جبران همهٔ خسارات وارده است و از این لحاظ حقوق ایران به حقوق انگلستان نزدیک است.

## منابع و مأخذ

۱. بادینی، حسن (۱۳۸۴). *فلسفه مسئولیت مدنی*. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲. برمینگهام، ورا (۱۳۸۸). *شبه جرم و مسئولیت مدنی در حقوق انگلستان*. ترجمه مهدی موسوی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۳. صفایی، حسین، و رحیمی، حبیب‌الله (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*. تهران: انتشارات سمت.
۴. صفری، محسن (۱۳۷۹). *مسئولیت مدنی سبب مجمل*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۹، صفحات ۸۶-۵۵.
۵. صفری، محسن، و پاک‌نیت، حسن (۱۳۸۹). *مسئولیت قهری و قراردادی: تفاوت‌ها و شباهت‌ها*. فصل‌نامه مطالعات حقوق خصوصی، شماره ۴، صفحات ۲۸۶-۲۴۷.
۶. صفریان، مهدی (۱۳۹۲). *تقصیر عمدی در مسئولیت مدنی*. تهران: انتشارات جنگل.
۷. غمامی، مجید (۱۳۸۳). *قابلیت پیش‌بینی در مسئولیت مدنی*. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۷۸). *مبانی مسئولیت مدنی*. تهران: انتشارات میزان.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). *مسئولیت مدنی؛ قواعد عمومی*. جلد چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *الزام‌های خارج از قرارداد؛ ضمان قهری*. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۳۶۱ هـ.ق). *تحریرالمجله*. قم: مکتبه الفیروزآبادی.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف (۱۲۸۲ هـ.ق). *قواعد الاحکام*. بی‌نا: بی‌جا.
۱۳. حسینی مراغه‌ای، میرعبدالفتاح (۱۴۱۸ هـ.ق). *عناوین الاحکام*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۴. محقق کرکی، علی بن الحسین (۱۳۷۰). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.



۱۵. نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۳۱۱). *جواهرالکلام*، تهران: محمدحسین تاجر کاشانی.
۱۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی (۱۳۸۷ هـ ق). *المبسوط فی فقه الامامیه*. جلد ششم، قم: مکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
17. Carlson, B. L. (2004). Blood and judgment: inconsistencies between criminal and civil court when victims refuse blood transfusions. *Stetson University College of Law, L. Rev* 33.1067-1098
18. Calandrillo, P. S. (2006). An economic analysis of the eggshell plaintiff rule. *American Law and Economic Association Annual Meetings*, paper 19.
19. Aman, C. A. (1993). The earth as an eggshell victim: a global perspective on domestic regulation, *Yale law journal*, 102 , 2017-2122.
20. Gregory, C. O., & Calven, H. (1969). *Cases and materials on torts*. Second Edition, Boston: Little- Brown and Company.
21. Harpwood, V. (2009). *Modern tort law*. Seventh edition, London: Cavendish Publishing.
22. Harris, D., Campbell, D., Halson, R. (2005). *Remedies in contract and tort*. second edition, London: Cambridge University Press.
23. Harlow, C. (2005). *Understanding tort law*. Third edition, London: Sweet and Maxwell
24. Levy, L. M., & Rosenberg, E. S. (2003). The eggshell plaintiff revisited: causation of mental damages in civil litigation. *Mental and Physical Disability Law Reporter*, 27(2), 204-206.
25. Martin, K. A. (2005). Stick a Toothbrush Down your Throat: An Analysis of The Potential Liability of pro- eating Disorder Websites. *Texas Journal of Women, Gender, and the Law*, 14(issue2).
26. Lunney, M., & Oliphant, K. (2008). *Tort law (text and materials)*. Third edition, Oxford: Oxford University Press.
27. McQuade, S. (2001). The eggshell rule and related problems in recovery for mental harm in the law of torts. *Campbell Law Review*, 24, 151-177.
28. Adams, N. J., & Brownsword, R. (2007). *Understanding contract law*. Fifth Edition, London: Sweet & Maxwell.
29. Pomeroy, J. (1992). Reason- religion and avoidable consequences: when faith and duty to mitigate collide. *New York University law review*, 67, 1111-1155.
30. Stephenson, G. (2000). *Source book on torts*. Second edition, London: Cavendish Publishing.
31. Statsky, W. P. (2010). *Torts personal litigation*. Fifth edition, London: Dolmal Publishing.
32. Steele, J. (2014). *Tort law, text, case and material*. Third edition, Oxford: OxfordUniversity Press.